



دانش آموزان با نظم وارد کلاس شدند. آموزگار با بچه‌ها سلام و احوال پرسى کرد.

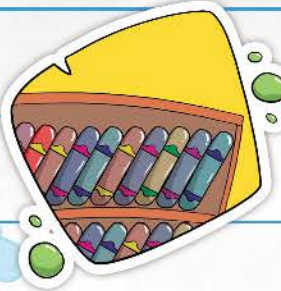
او پرسید: «بچه‌های عزیز چگونه می‌توانیم پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کنیم؟»



دانش آموزان پیشنهادهای خود را روی برگه‌های کاغذ نوشتند.

گروه‌ها به رایانه و کتاب اشاره کردند. آن‌ها گفتند: «بهتر است

کتاب‌ها و مجله‌های مخصوص خودمان را بخوانیم.»



نمایندگی یکی از گروه‌ها گفت: «کتاب خوب را پس از هم‌فکری و مشورت

با بزرگ‌ترها انتخاب می‌کنیم.»

آموزگار گفت: «آفرین بر شما که خوب فکر می‌کنید و به درستی پاسخ می‌دهید.»



متن زیر را با دقت بخوان و کامل کن.

روز زیبای پاییزی بود. \_\_\_\_\_ می وزید و هوا ملایم بود.

صدای \_\_\_\_\_ به گوش می رسید. دانش آموزان آرام و با \_\_\_\_\_ وارد کلاس می شدند.

آموزگار در کلاس \_\_\_\_\_ بود. او با هر دانش آموزی که وارد کلاس می شد، سلام و \_\_\_\_\_ می کرد.

آموزگار از هر یک \_\_\_\_\_ تا یک برگ کاغذ رنگی از پاکت بردارد و در \_\_\_\_\_ خود قرار بگیرد.

بچه ها در گروه خود گفت و گو کردند و \_\_\_\_\_ خود را روی برگه هایی نوشتند.

\_\_\_\_\_ هر گروه آن را بلند خواند.

گروه ها به رایانه، کتاب ها، \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ اشاره کرده بودند.

نماینده ی یکی از گروه ها گفت: «کتاب خوب را هم مانند دوست، پس از \_\_\_\_\_ و

\_\_\_\_\_ با بزرگ ترها انتخاب می کنیم».

آموزگار گفت: «آفرین بر شما که خوب فکر می کنید و به «رستی» \_\_\_\_\_ می دهید».

## املاي دوم دبستان

کلمات مشخص شده را در جدول پیدا کن و دور آنها خط بکش. 🍌

کتابخانه‌ای - نامه‌ای - تازه‌ای - نماینده‌ای - روزنامه‌ای - مجله‌ای

کتابخانه‌ای	روزنامه‌ای	نمایندگان	تازه‌ای	مجله‌ای	نامه‌ای
کتابخانه‌ای	روزنامه‌ای	نماینده‌ی	تازه‌ی	مجله‌ای	نامه‌ها
کتابخانه	روزنامه	نماینده‌ای	تازه‌ها	مجله‌ها	نامه‌ای

به هر عبارت کلمه‌ی دیگری اضافه کن و عبارت کامل شده را یک‌بار بنویس. 🍌

- روز زیبای \_\_\_\_\_ ←
- یک برگ کاغذ \_\_\_\_\_ ←
- مجله‌های مخصوص \_\_\_\_\_ ←
- در آخر کتاب \_\_\_\_\_ ←
- مانند دوست \_\_\_\_\_ ←
- نماینده‌ی گروه \_\_\_\_\_ ←



فصل پاییز بود. باد ملایمی می وزید.

با دوستم در کلاس نشسته بودم. آموزگار به کلاس نیامده بود.

محدث پیشنهاد داد از کتابخانه‌ی کلاس، یک مجله‌ی مخصوص به خودمان برداریم و بخوانیم.

با هم فکری و مشورت یکدیگر مجله‌ای انتخاب کردیم.

یکی از بچه‌ها با کاغذ رنگی کاردستی درست می‌کرد.

سه نفر دیگر هم به شکل گروهی نقاشی می‌کشیدند.

ناظم مدرسه وارد کلاس شد.

پس از احوال‌پرسی برای داشتن نظم از بچه‌ها تشکر کرد.



کار بنایی مسجد تازه تمام شده بود.

مردم محله‌ی ما بسیار خوشحال بودند. مسجد چراغانی شده بود.

کنار حوض مسجد، گلدان‌های پرگلی قرار داده بودند.

امام جماعت از همدی کسانی که در ساختن مسجد همکاری کرده

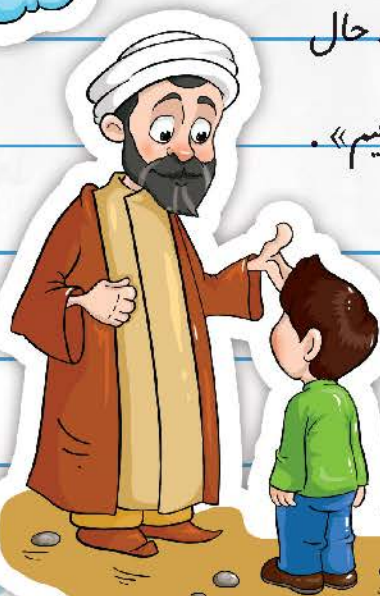
بودند تشکر کرد و گفت: «وقتی برای خواندن نماز به مسجد می‌آییم از حال

یکدیگر باخبر می‌شویم و با هم فکری می‌توانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم».

همدی گفت: «من از حرف‌های پیش نماز فهمیدم که مسجد

محله‌ی ما کلاس‌های آموزش قرآن، نقاشی و عکاسی هم

دارد. در آنجا کتابخانه‌ی خوبی نیز برای کودکان وجود دارد».



## انتشارات کلاغ سپید

به هر کلمه، یک کلمه‌ی دیگر اضافه کن و با هر کدام یک جمله بنویس.

- مسجد ←
- نفر ←
- حوض ←
- ساختن ←
- کنار ←
- سخنان ←
- خواندن ←

درس دوم

**رِبط:** به صدای «ی» در انتهای کلمات در عبارت‌هایی مثل «آسمانِ آبی»، «خواندنِ درس» و «سالِ گذشته» می‌آید، اصطلاحاً «یِ رِبط» گفته می‌شود.

بسیاری از دانش‌آموزان در نوشتن صدای یِ در انتهای کلمه دچار مشکل می‌شوند. مثلاً واژه‌های آسمانِ، خواندنِ و سالِ را به صورت آسمانه، خواندنه و ساله می‌نویسند. یا کلمه‌هایی مثل نامه، نرده و پسته را به صورت نام، نرده و پست می‌نویسند. برای تفهیم بهتر یِ رِبط به فرزندان، این گونه عمل کنیم: به آن‌ها بگوییم که هر موقع بعد از شنیدن یک کلمه منتظر کلمه‌ی دیگری باشید، از یِ رِبط و در غیر این صورت از «ه» استفاده کنند.

منتظر کلمه‌ی بعدی می‌مانید	منتظر شنیدن کلمه بعدی نیستید
عکاسی — مادر — کتاب	ساده — خامه — دانه — چاله — کوزه



روز ميلاد امام علي (ع) در مسجد محله‌ي ما جشني برپا بود.

همه جا را چراغانی کرده بودند. گلدان‌های پر از گل کنار حوض مسجد بود.

همه آمده بودند. من برای اولین بار در این جشن شرکت می‌کردم.

خیلی خوش حال بودم. با دقت به همه چیز و همه جا نگاه می‌کردم.


پدرم شیرینی و شربت به مردم می‌داد.

پدر دوستم عکاسی می‌کرد و از مراسم عکس می‌گرفت.


بعد از نماز، امام جماعت سخنانی درباره‌ی زندگی امام علي (ع) برای مردم بیان کرد و از

همه برای شرکت در این جشن تشکر کرد.


جشن که تمام شد لبخند زنان به همراه پدر و مادرم به طرف خانه رفتیم.

کلمه‌های زیر را بخوان. هر جا لازم است،  بگذار.

اولین	بنایی	محلّی ما	معلم
عکاسی	مجله	تعجب	بچه‌ها
تقسیم	لحظه‌ای	تشکر	نقاشی
دقت	بقیه	فایده‌ای	قصه

 به آخر هر کلمه «ای» (ای آخر تنها) یا «ی» (ای آخر) اضافه کن و یک بار بنویس.

فریاد	خوش مزه
عکّاس	تازه
لبخند	مرزعه
هنگام	محلّه
پیشنهاد	کتابخانه
گروه	نماینده

 متن زیر را با دقت بخوان و کامل کن.

مردم \_\_\_\_\_ ما بسیار خوشحال بودند. کار \_\_\_\_\_ مسجد، تازه تمام شده بود.

مردم \_\_\_\_\_ برای \_\_\_\_\_ بار، نماز را به \_\_\_\_\_ در این مسجد بخوانند.



## املاي دوم دبستان

مسجد \_\_\_\_\_ شده بود. مسجد پر از آب بود. مهدی با پدر و مادرش  
 گلدان‌های \_\_\_\_\_ را که آورده بودند، کنار \_\_\_\_\_ قرار دادند.  
 بعد از نماز، امام \_\_\_\_\_ از مهدی کسانی که در \_\_\_\_\_ مسجد، کمک و  
 کرده بودند، \_\_\_\_\_ کرد.  
 او گفت: «مسجد، \_\_\_\_\_ خداست. وقتی برای \_\_\_\_\_ به مسجد می‌آییم، از \_\_\_\_\_  
 یلگیر با خبر می‌شویم و با \_\_\_\_\_ می‌توانیم کارهای خوب و بزرگ انجام بدهیم».  
 مهدی گفت: «نمی‌دانستم مسجد \_\_\_\_\_ ما کلاس‌های آموزش قرآن، نقاشی، رایانه و  
 \_\_\_\_\_ دارد. من هم دلم می‌خواهد در یکی از این کلاس‌ها، \_\_\_\_\_ کنم و از کتابخانه‌ی  
 آنجا \_\_\_\_\_ کنم».

مادر و پدر، \_\_\_\_\_ به مهدی زدند و با هم به \_\_\_\_\_ خانه رفتند.

با توجه به جدول سمت چپ، جدول سمت راست را کامل کن. 🍌

رعایت	_____	نگذاشت	_____	_____
_____	تقسیم	مرزهای	_____	_____
خوش مزه‌ای	_____	نوه‌هایش	_____	_____

پروردگارا نام تو به من شادی و نشاط می‌دهد.

یک روز زیبای پاییزی بود. صدای پرندگان به گوش می‌رسید. بچه‌ها به صورت گروهی در کلاس نشسته بودند.

آموزگار گفت: «بچه‌های عزیز بگویند از چه راه‌هایی می‌توانیم کتاب‌های خوب و مفید را بشناسیم؟»

ناینده‌ی یکی از گروه‌ها گفت: «با مشورت کردن و هم‌فکری با بزرگ‌ترها، می‌توانیم کتاب‌های خوب و مناسب را انتخاب کنیم.»

یکی دیگر از ناینده‌ها گفت: «مسجد محله‌ی ما کتابخانه‌ی خوبی برای کودکان دارد. ما می‌توانیم به آنجا برویم و از کتاب‌ها و مجله‌های ویژه‌ی خودمان استفاده کنیم.»

دانش‌آموزان از پیشنهاد هم‌کلاسی خود بسیار خوشحال شدند و از او تشکر کردند.